

بسمه تعالی

خداوند سَنَّتی دارد که اگر کسی قدر خویش را بداند و شَأْنِیت خود را حفظ کند حضرت رحمان الرَّحِیم رزق حکیمانه خود را بر اساس سَنَّتِ رحمانیه و مهمتر از آن سَنَّتِ رحمیهی، رزق قشنگی به شرط معرفت نفس خواهد فرستاد.

یک بُعدی از معرفت نفس درک زمان و موقعیت و حفظ شَأْنِیت است و آن اینکه خودمان را نوکر امام زمان(عج) و سرباز جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی که برآمده از قطرات خون هزاران انسان ولی خدا که شهید شدند بدانیم. شهید فهمیده جزء اولیاء الله است، املاک، خوشسیرت، علینژاد، قلی پور جزء اولیاء الله هستند.

وقتی من و شما بدانیم جزء سربازان جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی هستیم، یعنی در تداوم راه اولیای الهی هستیم. آنهایی که حقیقتاً خصوصیت اهل ایمان در آنها وجود داشت، آنهایی که از شهرت بری بودند، آنهایی که در خدمت‌گزاری برای دین خدا بی‌مَت بودند و از تمام تعلقات دل بریدند و به حقیقت **قل هو الله احد** رسیدند، و به حقیقت توحید نائل شدند، که حقیقت توحید دل بریدن از هرچه غیر اوست.

حَبِّ نفس، حَبِّ جاه و مقام، حَبِّ ثروت و مهمترین محبت‌ها، حَبِّ نفس را زیر پا گذاشتند و به مقام شهود رسیدند و در این عالم مادّه حجابهای ظلمانی و بعد از آن حجابهای نورانی را کنار گذاشتند، و سرانجام خدا و اولیای او را شاهد شدند. شما هم به عنوان اعضای جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی اگر شَأْنِتان را حفظ کنید برکت بیشتری می‌گیرید.

همه ما ضربان قلبمان دست ولیّ خدا، نائِب امام زمان است. الحمدالله روی این جهت ما احساس قدرت می‌کنیم.

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مختصاتی دارد که باید دید آیا در ما وجود دارد یا خیر؟ اگر ما شَأْنِ خود را بشناسیم بسیاری از این حاشیه‌های بی‌خودی که ما را از هم جدا می‌کند، که اختلاف است، وجود نخواهد داشت؛ همچنان که امام(ره) می‌فرمودند: و اجتماع از رحمان است، وحدت از رحمان است. باید اینها را دانست و شَأْنِ خود را درک کرد.

من و شما همیشه باید اهل رزم باشیم. باید پر انرژی برای خدا کار کنیم، واقعیت این است تا زمانی که روی زمین هستیم، من و توی انسان مختار به جهت اختیار در ما "**فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا**

وَتَقْوَاهَا" (شمس-۸). طیفی از جماعت ما بنی آدم میل به " فُجُور" می کند و طیف دیگر به قسمت "تَقْوَا".

همین جاست که جنگ حق و باطل از زمان "آدم" شروع شد و جبهه، معنا گرفت و این جنگ حتی بعد از ظهور امام زمان (عج) هم ادامه خواهد داشت.

ما باید اهل موضع گیری، اهل جهد، اهل جبهه باشیم و در خودمان روشن گری کنیم.

که فرمود: "مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" (الفتح ۲۹) می گوید کسانی که با او معیت دارند نه اینکه فقط مسلمانند، بلکه با او همراهند و او را همراهی می-کنند در همه ی وجوه، نه فقط در زمینه اخلاق فردی، که در حوزه اخلاق اجتماعی، نه فقط در حوزه ی عرفان و امور روحی و درونی بلکه حتی در حوزه ی زندگی فضای برونی بر اساس فقه "وَالَّذِينَ مَعَهُ" یعنی کسانی که حال و دعای رسول الله را دوست دارند و هم آداب سفره نشینی پیامبر(ص) و هم سیره تربیت، سیره ی جهاد، سیره ی همسرداری، سیره ی همسایه داری، در همه ی حوزه ها با او معیت می کنند. زاویه ها از آنجا شروع می شود که یک وجه از وجوه انسان کامل برای ما برجسته می شود، لذا جنگ ما فقط، جنگ کفر و نفاق، یک جنگ صرفاً بسیط به یک معنا نیست. لشگرکشی حق و باطل گاهاً از زوایای خاصی شروع می شود. داریم انسانهایی که میل به عرفانشان بر قبول اسلام فقاهتی چربید و اسلام فقاهتی رسول الله را قبول نکردند. در جبهه بندی، اینها باید مشخص شود.

براساس همین تعریف از معیت، بچه هیئتی جبهه ی حق، می شود بچه هیئتی جبهه باطل! و یا کلاس قرآنی، مخصوص خوارج، کلاس قرآنی علوی.

در زمان پیامبر(ص) هم عده ای در کنار پیامبر بودند اما به دلیل عدم پذیرش معیت پیامبر خدا(ص) از ایشان جدا شدند.

اما کسانی هم هستند معیت رسول خدا را پذیرفته و مؤا اهل البیت شدند. اینها اسلام عدالت خواه، اسلام اهل مبارزه، اسلامی که در کربلا وجود دارد را پذیرفته اند. اگر ما در رابطه ی معیت با رسول خدا(ص) خوب فکر نکنیم، مشخص نخواهد بود که خود ما ۱۰ سال دیگر جزء جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی باشیم و یا جزء جبهه فرهنگی انقلاب اسلام آمریکایی.

در معیت باید دقت و مداقه شود. بعضی فقط به دنبال اسلام فقهاتی رفتند، نتیجه اش گروه های تکفیری ای شد که نتیجه تجرد در اسلام فقهاتی و عدم توجه به عرفان اسلامی و زوایای مختلف دین است.

عده ای هم بیشتر عرفان اسلامی را در نظر گرفتند و به اسلام فقهاتی توجه نکردند که باعث ایجاد گروه هایی شد که بی اعتنا به فقه حکومت اسلامی شدند. اینها مدعی اخلاق هستند اما اعتنایی به احکام الله ندارند مانند جریان روشن فکری لیبرال منش امروزی که دین در گوشه و کنار سازمانهای دولتی ما جا می گیرد.

پس یکی از مختصات جبهه فرهنگی این است که انسان لحظه به لحظه بر اساس ولایت مداری، معیت خودش را مورد توجه و مداقه و... قرار دهد.

الآن بر اساس همین معیت است که وقتی در غزه کودکی کشته می شود، غمی در دل ما ایجاد می شود. مانند غصه ای که در دل امیرالمؤمنین ایجاد شد، زمانی که خوارج در شهر الانبار خلخال از پای زن یهودی کشیدند؛ علی علیه السلام فرمودند کسی که از این خبر غصه دار شود و بمیرد جا دارد. اما تکفیری که معیت با رسول الله (ص) را نفهمیده باشد، این تکفیری می تواند عمامه سیاه برسر داشته باشد، حتی برای روضه امام حسین علیه السلام خیلی ها پول بفرستد، تکفیری ای که شبکه فدک امام حسین علیه السلام را داشته باشد؛ اما وقتی در غزه کسی کشته می شود مراسم علی علیه السلام از یادش می رود. این تکفیری یا داعش است یا شیرازی؛ مهم این است که معیت با رسول الله را ندارند. این تکفیری ها با دشمنان خدا مهربان می شوند اما با دوستان خدا روحیه شدید پیدا می کنند.

جبهه گیری های ما باید هر لحظه رصد شود و قرآن می گوید معیت با ولی خدا باید رصد شود. یکی از نکاتی که بعد از معیت با ولی خدا باید توجه داشت، این است که جبهه مؤمنانه بالاتر از وحدت با یکدیگر اخوت دارند، وحدت برای نیل به یک هدف ایجاد می شود و به جهت ولایت وحدت یک برکت است؛ اما بالاتر از آن اخوت است "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" (حجرات-۱۰).

نمونه‌ی دیگر از اختصاصات را می‌توان در سیره حضرت زهرا(س) دید. یک خانمی جبهه‌ای راه انداخت، ولی تنها است، غریب است. یک شهر غربت، یک خانم تنها اما محکم، پایدار، صابره، اینها از اختصاصات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است.

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اهل ایمان هستند و بر اساس همین باور هجرت پذیرند، هزینه پردازند "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ" (بقره-۲۱۸) خداوند می‌فرماید اگر می‌خواهید رحمت شامل حالتان شود باید اهل ایمان باشید، باید اهل هجرت باشید، هجرت یعنی هزینه‌پردازی، هجرت یعنی دل‌کندن موقعیت کنونی به جهت حفظ دین خدا، برای خدا مانند هجرت هاجر، هجرت ابراهیم، مانند هجرت پیامبر(ص)، مانند هجرت امام حسین علیه السلام یعنی باید از وضعیت کنونی دل‌کند برای دین خدا جلوتر رفت و به موقعیت کنونی خودمان راضی نباشیم تا به روزمرگی مبتلا نشویم.

به موقعیت‌های نسبی در حوزه‌ی کار تشکیلاتی خودمان دل‌نبن‌دیم، این یکی از آفات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که ایجاد زاویه می‌کند نباید افق دید خود را محدود کنیم، باید تمام دنیا را کانون خود دانست، تمام دنیا را هیئت خود بدانیم، با تمام دغدغه مستضعفین عالم همراه شویم، با تمام دردها و دغدغه‌های جهان اسلام همراه شویم. فقط تمام غصه‌ی ما نباید آن کانون و مؤسسه و هیئت‌ها باشد.

هجرت یک عنوان کلی است. هجرت از هر نوع تعصبی، تعصب به هیئتم، تعصب به استانم، تعصب به کشورم حتی تعصب به کارم؛ هجرت گاهی از مواقع، دل‌بریدن از موضع کنونی برای حفظ دین خدا است.

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اهل جهد و تلاش است خسته نمی‌شود، نباید گفت چند سال باید دوید تا به نتیجه رسید. تا زمان مرگمان باید تلاش کنیم و انتظار نتیجه نداشته باشیم، ما موظف به انجام تکلیفم.

یکی از خصوصیات دیگر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استضعاف است. در واژه شناسی قرآن، هر جا که کلمه‌ی **ضعفا** آمده اظهار تنفر کرده است. حق ضعفا عذاب است، اما **مستضعف** را خدا همیشه دوست داشت. **مستضعف** کسی نیست که خود ضعیف باشد بلکه **دیگران**

خواسته‌اند که در ضعف بماند، ضعف ایمانی، ضعف علمی، ضعف معرفتی، اما خود او نمی-
خواهد.

فعلا امام زمان ما در رأس مستضعفین است. جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی احساس استضعافش نباید از بین برود. باید ببینیم در کدام مراتب از مراتب استکباری، استکبار علمی، استکبار فرهنگی، سیاسی، جهانی، مالی دارای استضعاف هستیم. حتی در حوزه‌ی اصلاح‌گری در فضای انقلاب اسلامی باید احساس استضعاف کنیم.

اینکه رهبر انقلاب ما اصطلاحات خاصی را به کار می‌برند، به عنوان مثال در انتخابات به ما می‌گویند به نماینده‌ای رأی بدهید که وابسته‌ی به باند ثروت و قدرت نباشد، پس فقط دشمن صهیونیست نیست معلوم است در درون ما، هواخواهی‌ها، دنیا طلبی‌ها وجود دارد و میل به دنیا، باند ثروت و قدرت را در نظام اسلامی شکل می‌دهد. این یک غده‌ی سرطانی است برای رسیدن به آرمانهایمان.

بنابراین حس استضعاف را باید همیشه داشته باشیم. یعنی باید حس کنیم باند ثروت و قدرت همیشه دین او، مرام او، سیره‌ی او، مشی او که مشی ولایست را به ضعف می‌کشد.

مختصات دیگر این است که جبهه فرهنگی انقلاب دائما مضطر است "أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ" (نمل-۶۲). عاشق هیچ وقت آرامش ندارد و دائما مضطر است. اگر اهل هجرت باشیم، در هجرت اضطرار وجود دارد و اگر مستضعف شویم و همچنین برای رسیدن به کمال مطلوب همیشه مضطر خواهیم بود.

لذا اختصاصات یاران مهدی موعود همین مضطر بودن است که در مقابل بی‌خیال بودن، بی-تفاوت بودن و جو زده بودن قرار دارد. مانند مادری که بچه‌اش را گرفته‌اند و آرام نمی‌گیرد و آسایش و رفاه را قبول ندارد!

آخرین مختصات اصحاب جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی که البته مختصات و اختصاصات دیگری نیز می‌توان از آیات و روایات بدست آورد اما به اندازه‌ی این جلسه باید گفت که جبهه فرهنگی انقلاب غربت‌پذیر است و این را باید قبول کرد.

در روایاتی از رسول خدا داریم که فرمودند: "إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ" (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۰۰).

اسلام غریبانه شروع شد. خدا نمی خواهد؛ سَتَّ خدا اینگونه نیست که حق به راحتی، به نتیجه برسد. چون انسان را مختار و اشرف مخلوقات خلق کرده، لذا به همین راحتی به نتیجه نمی رسد.

غربت یکی از مراتب سخت بلاهاست که برای اهل ایمان است. رسول خدا وقتی آمد تبلیغ اسلام را شروع کند، یک جوان ۱۳ ساله همراهش بود. جالب هم همین است. اکثر لشکریان حق جوان هستند. حتی در روایات داریم که اکثر یاران امام زمان (عج) را جوانان تشکیل می دهند. یک جوان ۱۳ ساله به نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خانمی با نام خدیجه کبری سلام الله علیها؛ پا برهنه ها را جمع کردند، بلال حبشی، عمّار، یاسر و ...؛ غریب. الان خیلی وضع بهتر است.

پیامبر یک زمانی تنها به قبیله طائف می رفتند و تبلیغ می کردند. وقتی مردم طائف می دیدند که نمی توانند بر منطق پیامبر(ص) چیره شوند، فرزندان خود را تحریک می کردند، دنبال پیامبر(ص) می دویدند و می گفتند: ساحر، جادوگر، دیوانه و سنگ بر صورت پیامبر زدند و دندان او را شکستند.

وقتی پیامبر(ص) به خانه می آمدند آن زمان حضرت زهرا(س) ۳ ساله بودند؛ خاکها و زباله- های ریخته شده به سر پیامبر و دهان خونی ایشان را پاک می کردند. همین جاست که پیامبر(ص) فرمودند: "فداها أبوها".

إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا اسْلَامَ غَرِيبَ شَرُوعَ شَد. دَر خِیْلِ اَز مَوَاقِعِ اَهْلِ دُنْیَا بَایِد حَرْفِ اَهْلِ دِیْنِ رَا بَاوَر کَنْنَد.

البته غربت با انزوا و انفعال دو امر متفاوت است. یک مؤمن می تواند روابط عمومی قوی ای داشته باشد، اثرگذاری او قوی باشد، اما حرف او را کسی نفهمد و غریب باشد. پیامبر(ص) فرمودند: خوش به حال اهل غربت. غربت امام علی علیه السلام را ببینید؛ غربت امام حسن علیه السلام را ببینید؛ غربت فاطمه زهرا سلام الله علیها را ببینید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته